



۲۰۱۸/۰۶/۱۷

میر عبدالرحیم عزیز

فعالیت های تخریبی سازمان های استخباراتی خارجی در بی هویت ساختن افغانستان

قسمت اول

یک عده از نا خلفان و خاک فروشان مسلکی که برای خود هویت قایل نیستند، شب و روز تلاش می ورزند که به چه نحوی خیانتی مرتکب شوند و به افغانستان ضربه وارد نمایند. هم میهنان ما باید بدانند که در عقب گروه های ضد ملی و افراد خاین به کشور، دستگاه های استخباراتی خارجی استاده اند و بی هویتان را رهنمائی می نمایند.

"ام. آی. ۶" برتانیه، "اف. اس. بی." روسیه، "واواک" ایران، "آی. اس. آی." پاکستان، "سی. آی. آی." آمریکا، "ام. آی. تی." ترکیه، "راو" هند، "جی. آی. دی." (ریاست استخبارات عامه) عربستان سعودی، "دی. جی. اس. آی." فرانسه، "بی. ان. دی." آلمان و "اس. سی. ان. اس." تاجیکستان همه در صدد اند تا نام افغانستان و هویت مردم را مسخر نمایند تا نشانی ازین کشور در روی کره زمین باقی نماند.

باوجود اختلافات و تضاد های عمیقی که میان این کشورها موجود است، صرف در قسمت نابودی افغانستان هدف مشترک دارند.

برتانیه و روسیه (وارث شوروی سابق) هرگز سرنوشت مرگبار خود را در افغانستان فراموش نمی کنند که مردم همین سرزمین بود که به امپراتوری های شان نقطه پایان گذاشت. امریکا اگر در روش تجاوزکارانه خود تجدید نظر ننماید، به استقبال سرنوشت مصیبت بار انگلیس و شوروی سابق خواهد شتافت. ایران دشمن عنعنوی کشوری به اسم افغانستان است.

تا زمانی که افغانستان و افغان باشد، نظام آخندی در تخریب آن خواهد کوشید. پاکستان چه مصیبت هائی نیست که بر کشور ما وارد نکرده است. پاکستان آرزو ندارد که افغانستان مستقل و یک پارچه در همسایگی این کشور قرار داشته باشد. ترکیه آروز دارد با دوکتورین پان تورانیسم و پان ترکیسم به سوی آسیای مرکزی پیشروی نموده که شمال افغانستان را در بر می یگیرد. عربستان سعودی با پخش وهابیت در آروزی تغییر مذاهب ماست. فرانسه، آلمان و تاجیکستان هر یک نقش مخرب خود را بازی می نمایند و یا اینکه دنباله رو یک کشور رهبر هستند. اینجاست دستگاه

های استخباراتی کشورهای متذکره به عمال خود دستور می دهند تا افغانستان را تخریب نموده و هویت آن را نابود سازند تا چیزی از "افغان" و "افغانستان" باقی نماند.

هموطنان ما می دانند که صدا های ضد میهنی که از حلقوم یک عده از ناخلفان و خاک فروشان خارج می شود، انعکاس تحریکات سیاسی و تخریبی سازمان های جاسوسی اجنبی است. بارها ثابت شده است که مزدوران بیگانه بدون حمایت مالی و سیاسی دستگاه های استخباراتی بیگانه نمی توانند خود را تبارز دهند و جلوه گری نمایند. در عقب این فعالیت های تخریبی عمال بیگانه صد در صد منافع سیاسی و ستراتیژیک بیگانگان دخیل است. اگر بسیار دور نرویم، حد اقل تاریخ ۴۰ سال اخیر به ما می آموزاند که چطور دستگاه های استخباراتی کشورهای دخیل در قضیه افغانستان تا چه اندازه در ویرانی و انهدام کشور ما دست داشته اند.

از نور محمد تره کی تا اشرف غنی، کسی را نمی یابیم که از جانب بیگانگان تغذیه نشده باشد. اکثراً دیده شده که بیشترین خاینان درین ۴۰ سال اخیر هم در جناح راست و هم در جناح چپ از طبقه به اصطلاح "محروم" بوده اند که زمانی برای "خلق محروم" کشور حنجره پاره می کردند. دستگاه ها استخباراتی کشور دخیل در افغانستان از همین طبقه "محروم" هزار ها جاسوس ساخته اند تا مرام استعماری کشورهای استعمارگر و متجاوز را برآورده سازند. همین طبقه "محروم" جامعه اند که به هدایت آمران خارجی صدای تجزیه طلبی و تغییر نام کشور را بلند می نمایند. میلیون ها دالر درین ساحه مصرف می شود تا مردم ما را از نعمت آزادی و داشتن یک افغانستان آزاد و واحد محروم سازند.



ام آی ۶) – [MI-۶] برتانیه

کشور مغلوب و شکست خورده امپریالیسم برتانیه به چنان سرنوشت مرگبار در افغانستان مواجه شد که شنیدن نام "افغان" و "افغانستان" مو بر اندام تجاوزگران انگلیسی راست می کند. در کازار افغانستان، پوز این ابر قدرت وقت جهان توسط افغان ها به خاک مالیده شده که در تاریخ جهان کم نظیر است. در قرن ۱۹ لاتیان و در قرن ۲۱ گروه های بی هویت نقش ضد میهنی خود را در بربادی افغانستان به نفع استعمار کلاسیک بازی می نمایند. پس جای تعجب نیست که دستگاه استخباراتی "ام. آی. ۶". انگلیس می کوشد تا نام افغانستان را بین رود و هویت ما نابود شود. با این تغییر، کشور ما خصلت ضد استعماری گذشته خود را از دست خواهد داد و افتخارات تاریخی که نصیب افغانستان شده، به کلی محو خواهد شد. در آن زمان از افتخارات جنگ میوند علیه امپریالیسم برتانیه خبری نخواهد بود و از قیام های مردمی در جنگ اول و دوم افغان و انگلیس و جنگ استقلال کشور تجلیل به عمل نخواهد آمد، زیرا دیگر کشوری به نام افغانستان وجود نخواهد داشت که به افتخارات گذشته بنزد. "ام. آی. ۶". حق خود میداند تا انتقام شکست امپراتوری برتانیه را از افغان ها بستاند. از اینرو می کوشد تا صدای تجزیه طلبی را توسط عمال مذهبی و غیر مذهبی خود بلند نماید. ما مشاهده کردیم که بعد از تجاوز امپریالیسم غرب به افغانستان، برتانیه منطقه هلمند را مرکز فعالیت های نظامی خود قرار داد. در قرن ۱۹ همین منطقه محل برخورد مجاهدان افغان و متجاوزین انگلیس

بود که شکست های ذلتباری را نصیب گردیدند. لندن خواست که انتقام شکست قرن ۱۹ را در تجاوز به افغانستان و استقرار در هلمند بگیرد، جایی که بارها متجاوزین انگلیس قلع و قمع شده بودند. اکنون دستگاه جاسوسی "ام. آی. ۶". انگلیس در تپ و تلاش است که نام "افغانستان" را تغییر دهد و آخرین میخ را در تابوت کشور واحد ما بکوبد. نباید تعجب نمود که اگر برتانیه از جواسیس چند جانبه برای رسیدن به هدف استفاده می نماید. طور عنعنوی، "ام. آی. ۶". برتانیه از ملاها، روحانیون فاسد و اشرافیت حمایت می کند. اما درین اواخر به سوی افراد و گروه های سیاسی و نظامی رو آورده که قبلاً در انحصار امریکا و روسیه بوده است



"اف. اس. بی." – "کی. جی. بی." سابق [FSB-KGB] روسیه

اگر از بدبختی های متجاوزین انگلیس در قرن ۱۹ در افغانستان کسی آگاه نیست، سرنوشت نکبت بار سوسیال امپریالیسم شوروی در قرن ۲۰ می تواند درس عبرت آمیزی برای سایر متجاوزین و عمال داخلی آنها باشد.

آیا سران کریملین می دانستند که شوروی سرانجام در باطلاق افغانستان گیر خواهد افتاد و راه فراری جزء تباهی برایش باقی خواهد ماند؟ مسکو شاید به این عقیده رسیده بود، همان طوری که اردوی سرخ توانست کشورهای ناتوان اروپای شرقی را یکی بعد دیگر ببلعد و تحت انقیاد خود درآورد، به همان نحو افغانستان را هم در زنجیر اسارت شوروی بسته خواهد کرد و مردمش را مانند مردم اروپای شرقی در بردگی مسکو برای ده ها سال قرار خواهد داد.

مبالغه نشود که تجاوز شوروی به افغانستان و مبارزات ضد استعماری مردم ما یگانه وسیله نابودی سوسیال امپریالیسم شوروی نبود، طوریکه یک عده آن را عامل عمده در اضمحلال شوروی می دانند. اما تجاوز به افغانستان توانست نقش خود را در تضعیف اقتصاد ناتوان سوسیال امپریالیسم شوروی در رویارویی با غرب و ناکامی در مسابقات تسلیحاتی که منجر به شکست دنیائی مسکو گردید، بازی نماید.

بایست اذعان نمود که محققان غرب سقوط شوروی را در اواخر دهه هفتاد حتی قبل از تجاوز شوروی به افغانستان پیش بینی کرده بودند، زیرا رشد اقتصادی شوروی آهنگ بطی را طی می کرد که بالاخره با پائین آمدن قیمت تیل و گاز در سالیان اول دهه هشتاد و فساد گسترده در سیستم، اقتصاد شوروی رو به سقوط رفت که نتیجه را در دسمبر ۱۹۹۱ یعنی زمان اضمحلال قطعی شوروی مشاهده کردیم. شوروی دریافت که نیروهای وابسته به وی مانند خلقیان – پرچمیان – ستمیان که مشوق تجاوز این کشور به افغانستان بودند، روسیه را سخت در دام قهر مردم این کشور انداختند که راهی جزء شکست برایش باقی نماند. علی رغم توطئه های عظیم "کی. جی. بی." در بی هویت ساختن افغانستان، تجزیه کشور به شمال و جنوب و استفاده از عناصر ضد میهنی در رسیدن به هدف، مردم افغانستان واحد به عمق توطئه های "کی. جی. بی." پی بردند و آن را یک به یک عقیم ساختند. اکنون "اف. اس. بی." وارث "کی. جی. بی." سعی می ورزد که انتقام خود را از افغانستان اشغال شده بستاند و کشور ما را از صحنه گیتی ناپدید سازد. "اف. اس. بی." در اقدام اول خود که بخشیدن گرامات جنگی توسط برهان الدین ربانی بود، موفق گردید. حال به

عمال ستمی، شورای نظاری، منافقان جمعیت اسلامی و عمال شوروی سابق که پراکنده شده بودند، دستور تجزیه افغانستان را داده و روی همین دلیل است که نیروهای ضد میهنی سخت در تلاش و تکاپو اند که کشور را به سوی انهدام بکشانند و یا آن را به شمال و جنوب تقسیم نمایند که همان طرح گوربچف بود که می خواست در اواخر نجیب آن را یکجا با احمد شاه مسعود عملی سازد. سلول های خفته "کی. جی. بی." سابق که در خدمت "اف. اس. بی." قرار دارند، دوباره به فعالیت تخریبی آغاز کرده اند. موجودیت یک دولت مستعمراتی در کابل که مشتمل از عمال کشورهای بیگانه است، به نیروهای ضد ملی بیشتر جرأت بخشیده است. در صورت تجزیه و تقسیم کشور، دیگر افغان و افغانستان وجود نخواهد داشت که به مبارزات میهنی ضد شوروی افتخار نماید. این یکی از آرزومندی های روسیه و عمال داخلی آنهاست.



"وواک" [Vevak] ایران

ایران یک کشور رقیب افغانستان در صحنه سیاسی و فرهنگی است. بحران تباه کن ۴۰ سال اخیر افغانستان، بهترین فرصت طلائی را برای نظام فاشیستی آخندی ایران داد تا با دست آزاد به افغانستان جاسوس بفرستد و مؤسسات فرهنگی و سیاسی ما را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از آرزوهای ایران تجزیه افغانستان است که بتواند قسمت های شمال و غرب کشور را تحت سیطره خود در آورد. روی همین منظور، ایران دوکتورین "حوزه تمدنی" را پیش کشید و توسط جاسوس فعالش "چنگیز پهلوان" آن را وسعت داد. برحسب این دوکتورین تمام مناطق دری زبان افغانستان و کشور تاجیکستان جزء حوزه تمدنی مشترک به شمار می آیند و باید از ایران تبعیت نمایند. ناگفته نباید گذاشت که حتی در زمان شاه ایران هم این آرزوی استعماری ایران وجود داشت. برای رسیدن به هدف، ایران در قدم اول تضعیف قوم پشتون را می خواهد، زیرا از نظرگاه تهران پشتون ها بزرگترین مانع پیشروی ایران در افغانستان و منطقه به شمار می روند. یکی از عمال ایران در افغانستان که مدت طولانی به حیث وزیر و سفیر نظام مستعمراتی کابل ایفای وظیفه نمود، گفت: "افغانستان مانند اسرائیل است و باید بین ایران و پاکستان تقسیم شود". تهران معتقد است که یا پشتون ها محو شوند و یا اینکه به یک اقلیت مرده تبدیل گردند. در غوغای ستمی ها در شمال افغانستان، جواسیس نظام آخندی فعال بوده و به تجزیه طلبان مفکوره میدهند، همانطوری که چنگیز پهلوان جاسوس ایران در زمان جنگ های داخلی ۱۹۹۲-۱۹۹۶ به احمد شاه مسعود مشوره میداد و او را از درس های خیانت به میهن و تفرقه افگنی سیراب میساخت. عمال مذهبی ایران در جنگ تباه کن داخلی نقش مخرب خود را در ویرانی کشور بازی نمودند و کشمکش مذهبی سنی و شیعه را وسعت بخشیدند. با استفاده از حالت برهم و درهم کشور، ایران در تار و پود سیاست و فرهنگ کشور ما رخنه نموده و دری زیبایی ما را با کلمات بی مفهوم فارسی آخندی آلوده کرده است. یک تعداد از رادیو ها، تلویزیون ها، اخبار ها و سایت ها توسط "وواک" تمویل می شود. باوجود غربت و زندگی جهنمی مردم ایران، نظام آخندی میلیون دالر را صرف تبلیغات زهر آگین خود در افغانستان و کشورهای شرق میانه می نماید. همچنان نظام آخندی، تروریسم را صادر می کند و از گروه های تروریستی متمایل به ایران در شرق میانه حمایت مالی می نماید. ما مشاهده کردیم که وواک ایران جوال های دالر را در طیاره حامد کرزی رئیس جمهور وقت

دولت مستعمراتی کابل گذاشت تا عمل ایران را در کرسی های مهم تعیین و مقرر نماید. برای نظام ضد بشری آخندی ایران، اگر افغان و افغانستان نباشد، فرصت طلائی توسعه طلبی را نصیب این نظام فاسد و دشمن بشریت خواهد کرد. گفته می شود که "وواک" به گروه های مخالف دولت مستعمراتی کابل و متجاوزین ناتو هم اسلحه و پول میدهد که جنگ را تداوم ببخشند تا امریکا فرصت نیابد به سوی ایران رو آورد. اینرا باید بدانیم که در یک جنگ گرم بین امریکا و ایران، افغانستان هم زیر ضربات آتش دو جانب متخاصم قرار خواهد گرفت و متحمل خسارات بزرگی خواهد شد. بر مبنای ایده لوژی "صدور انقلاب اسلامی" نوع ایران، این کشور هرگز افغانستان را آرام نخواهد گذاشت و در تخریب دایمی آن خواهد کوشید.



پایان قسمت اول
ادامه دارد

